

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۹

از صفحه: ۹۳ الی ۱۳۲

حسین رضانی لحسن فضلی^۲

چکیده

جهانی‌شدن فرایند همگون‌سازی ارزش‌های همه‌جانبه و به‌عنوان فرایند کم‌رنگ کردن قید و بندهای جغرافیایی است که در حوزه فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها حاکم هستند، و به‌عنوان بحثی علمی بعد از دهه ۸۰ میلادی وارد ادبیات سیاسی و فرهنگی گردید. جهانی‌شدن بعد از دوران جنک سرد باعث تحول‌ها و تغییرهایی بنیادی و اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد. در سایه جهانی‌شدن جرایم، حقوق کیفری و پیشرفته شدن نوع جرایم سازمان یافته به‌سرعت تحت تأثیر قرار گرفت و رنگ جهانی پیدا کرد. مجرمان با استفاده از ابزار جهانی‌شدن و ابزار مانند ارتباطات سریع و بین‌قاره‌ای و با استفاده از فناوری پیشرفته، جرایمی را در عرصه بین‌المللی و جهانی مرتکب شدند. جرایم جهانی، نظم، اخلاق، امنیت و آرامش نظام بین‌الملل و نظام جهانی را از بین می‌برد و نمی‌گذارد، نظام بین‌الملل که عرصه منافع دولت‌های جهان را تشکیل می‌دهد امنیت و آرامش داشته باشد.

جرایم مواد مخدر، مانند اعتیاد، قاچاق، نگهداری و خرید فروش مواد که حیات و زندگی یک فرد را از بین می‌برند، در سایه جهانی‌شدن و با استفاده از فناوری پیچیده‌تر می‌شوند.

^۱ . کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک و کارشناس ارشد فضای مجازی (نویسنده مسئول) bahar200787@yahoo.com
^۲ . کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قرآن‌حجوب و کارشناس ارشد فضای مجازی bahar200787@yahoo.com

همگام با جهانی شدن، روند افزایش جرم و جرایم سازمان یافته، به خصوص مواد مخدر، مقوله‌هایی مانند نظم، امنیت و آرامش جهانی را به خطر می‌اندازد. روند رشد و گسترش روز افزون وسایل ارتباطی در جهان، مجرمان حرفه‌ای و قاچاقچیان بین‌المللی را به وسایل و ابزار ارتباطی مجهز می‌کند که به این وسیله مرتکب جرایم پیشرفته در سطح جهانی می‌شوند.

در این مقاله جرایم مواد مخدر، مانند خرید و فروش، قاچاق مواد روانگردان، حکم استفاده از مواد مخدر از نظر فقه و قوانین بین‌المللی مورد بحث و تحلیل قرار داده شده است.

کلید واژگان: جهانی شدن، جرم، جرایم، مواد مخدر و اعتیاد

مقدمه

جهانی‌شدن فرایند سیال و مستمر می‌باشد که زندگی انسان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. فرایند جهانی شدن باعث تحولاتی ژرف و بنیادی در عرصه فرهنگی، سیاسی و به‌ویژه اقتصادی شده است. از آنجا که واژه‌های علوم انسانی بومی و محلی هستند در مورد تعریف و مفهوم‌شناسی آن اختلاف‌های دیدگاهی و نظری زیادی دیده می‌شوند. جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی که قدمت تاریخی چندانی ندارد و تازه وارد ادبیات سیاسی نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل گردیده از این قاعده مستثنا نیست و تعریف جامع و کامل در این مورد وجود ندارد.

از دیدگاه پژوهشگران و محققان بین‌الملل، جهانی‌شدن با آثار و پیامدهای مثبت و منفی در جهان همراه است. موافقان جهانی‌شدن، جهانی‌شدن را فرایندی مثبت و توسعه‌زا در روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند؛ اما مخالفان و طرف‌داران دیدگاه مارکسیستی، جهانی‌شدن را فرایند منفی و استعماری در نظام بین‌الملل معرفی می‌نمایند. در دیدگاه میانه جهانی‌شدن فرایند دو بُعدی است که هم دارای پیامدهای مثبت و هم دارای پیامدهای منفی در نظام بین‌الملل است.

در این مقاله جرایم مواد مخدر، مانند خرید و فروش، قاچاق مواد روانگردان، استفاده مواد مخدر از دیدگاه فقه و قوانین بین‌المللی مورد بحث و تحلیل قرار داده شده است. چون جرایم مربوط به مواد مخدر امنیت، رفا و نظم عمومی و جهانی را مخدوش می‌سازند، در قوانین ملی و قوانین بین‌المللی جرم‌انگاری شده، اعدام، مصادره اموال، حبس و جریمه نقدی از مجازات‌هایی می‌باشند که برای مجرمان مواد مخدر در قوانین ملی و بین‌المللی در نظر گرفته شده‌اند.

روش تحقیق

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است.

اهداف تحقیق:

هدف این تحقیق بررسی و تحلیل جرایم مواد مخدر، مانند خرید و فروش، قاچاق مواد روانگردان، حکم استفاده از مواد مخدر از نظر فقه و قوانین بین‌المللی می باشد.

فرضیه تحقیق:

به نظر می رسد جرایم مواد مخدر در عصر فعلی و با توجه به تأثیر جهانی شدن در صحنه‌های ملی و بین‌المللی واقع شده و افکار عمومی را مخدوش می‌سازند و با توجه به نقش منفی جرایم مواد مخدر در زندگی انسان، اختلال نظم و امنیت انسانی، دولت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی در صدد جرم‌انگاری و مجازات آن برمی آیند

پیشینه تحقیق:

با مختصر مطالعه‌ای که در زمینه ادبیات موضوع پژوهش حاضر انجام گرفت، بدست آمد که تا کنون تحقیقات زیادی در زمینه جرایم مواد مخدر و جهانی شدن انجام شده است. اما اختصاصاً پژوهشی که جرایم مواد مخدر را در عصر جهانی از منظر فقه بررسی و تحلیل نماید، انجام نگرفته است.

جهانی شدن

جهانی شدن فرایندی می‌باشد که توسط آن تمام قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود (والترز، ۱۳۸۲، ص ۵۲). برخی دیگر، جهانی شدن را پدیده‌ای تلقی کرده‌اند که به واسطه آن امور اجتماعی بیش از گذشته از حصار تنگ و محدود دولت و ملت رها می‌شود (گل محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۷). همچنین به کلیه فرایندهایی که به وسیله آنها، مردمان جهان درون یک جامعه واحد

جهانی ادغام می‌شوند، جهانی شدن اطلاق شده است. در چنین جامعه‌ای انسانیت برای اولین بار به شکل یک بازیگر و کنشگر جمعی، ظاهر می‌شود (سجادپور، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶).

مفهوم جرم از دیدگاه حقوق و جرم‌شناسان

واژه جرم در لغت به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، بزه، عصیان و معصیت است (دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۲۲) و در اصطلاح حقوقی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم نامیده می‌شود (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی). جامعه‌شناسان نیز معتقدند که جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود.

مفهوم مواد مخدر

در مورد تعریف مواد مخدر بین علما و پژوهشگران حقوقی و مصادیق آن تعریف مانع و جامع وجود ندارد. در این مورد آن تعریفی نگاشته می‌شود که نسبت به تعاریف دیگر کامل‌تر به نظر می‌رسد و در اسناد بین‌المللی نیز ذکر شده است.

سازمان بهداشت جهانی ماده مخدر را این‌گونه تعریف می‌کند:

«هر ماده‌ای که پس از وارد شدن به درون بدن بتواند بر یک یا چند عملکرد مغز تأثیر بگذارد، ماده مخدر است. این تعریف موادی نظیر توتون و مشروبات الکلی و مخدرهای غیر قانونی مانند هروئین را نیز در بر می‌گیرد. ضمن اینکه در این تعریف مصرف‌کنندگان مواد مخدر نیز بیمار تلقی می‌شوند».

عادت کردن، خو گرفتن و خود را وقف عادت‌ی نکوهیده کردن، اعتیاد تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، ابتلای اسارت‌آمیز به ماده مخدر که از نظر جسمی یا اجتماعی زیان‌آور شمرده شود، اعتیاد نام دارد. اصطلاح اعتیاد به سهولت قابل تعریف نیست، و عواقب آن به صورت مختلف نظیر تحمل و وابستگی بدنی آشکار می‌شود.

در طب جدید به جای کلمه اعتیاد، وابستگی به مواد به کار می رود که همان مفهوم را دارد؛ ولی دقیق تر و صحیح تر است. مفهوم این کلمه آن است که انسان با استعمال نوعی ماده شیمیایی از نظر جسمی و روانی به آن وابستگی پیدا می کند. به طوری که بر اثر دستیابی و مصرف دارو احساس آرامش و لذت به او دست می دهد، اما با نرسیدن دارو، خماری، دردهای جسمانی و احساس ناراحتی را تجربه می کند.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ در مورد اعتیاد به مواد مخدر تعریف زیر را ارائه

کرد:

«اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت مصرف مداوم یک دارو، اعم از طبیعی یا ترکیبی، ایجاد می شود و به حال شخص و اجتماع زیان آور می باشد».

به عبارت ساده تر، اعتیاد عبارت است از وابستگی به موادی که مصرف مکرر آن با کمیت مشخص و در زمان های معین، از نظر مصرف کننده، ضروری و دارای ویژگی های زیر است:

- وابستگی جسمی ایجاد می کند؛
 - وابستگی روانی ایجاد می کند؛
 - پدیده تحمل در بدن نسبت به مواد مصرفی ایجاد می شود؛
 - ماده مورد نیاز به هر شکل و از هر طریق باید به دست بیاید؛
 - ماده مصرفی بر مصرف کننده، خانواده و جامعه تأثیر مخرب دارد.
- وابستگی جسمی حالتی است که پس از مصرف مکرر ماده مخدر خاص در شخص ایجاد می شود و در صورت نبود مصرف یا از بین رفتن اثر آن، شخص دچار مشکل های شدید جسمی مانند پا درد، آبریزش بینی، دردهای شدید استخوانی، بی قراری، دل پیچه و ... می شود.

وابستگی روانی، میل به تکرار تجربه احساس خوشایند ناشی از سوء مصرف مواد است. به بیان دیگر، فرد با مصرف ماده مخدر، احساس رضایت و حال خوش را تجربه می‌نماید. این احساس رضایت و خشنودی، میل به تجربه مجدد آن ماده را به وجود می‌آورد که خود باعث تکرار مصرف می‌شود.

در واقع این حالت میل می‌تواند گونه‌ای از شرطی شدن باشد، به طوری که فرد عملاً در موقع ناراحتی، بارها مصرف ماده مخدر و اثر خوشایند آن را تجربه می‌کند و نسبت به آن شرطی می‌شود. در این نوع وابستگی، مصرف‌کننده علاوه بر ماده مصرفی، به شرایط محیطی و آدابی که ویژه مصرف است نیز شرطی و وابسته می‌شود. پدیده تحمل، سازگاری انسان با ماده مخدر مصرفی است و نشانه آن کاهش واکنش‌های جسمی و روانی، نسبت به مصرف مداوم مقدار معینی از آن ماده می‌باشد. در نتیجه اگر مصرف‌کننده بخواهد همان حالات را تجربه کند، باید مقدار بیشتری از آن ماده را مصرف کند.

جهانی شدن، دیدگاه و رویکردها

۱- رویکرد لیبرالیستی و موافقان جهانی شدن

موافقان جهانی شدن و رویکرد لیبرالیستی، ضمن فرصت‌های ناشی از جهانی شدن و آثار مثبت و سازنده این مقوله آن را به نفع دولت‌های ملی می‌دانند و تأکید می‌کنند که جهانی شدن یک فرصت در دست کشورها و دولت‌های ملی است که در سایه آن می‌تواند همگرایی بین‌المللی را به وجود بیاورد.

از این دیدگاه، جهانی شدن فرایندی می‌باشد که در سایه آن هر نوع محدودیت و قید و بنده جغرافیایی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی بشر سایه افکنده است، از بین می‌رود.

طبق این دیدگاه، جهانی شدن به نفع دولت‌های ملی و دارای آثار مثبت است و این مقوله در سیاست جهانی و همگرایی بین‌المللی نقش اساسی و بنیادی دارد. در این رویکرد فکری، تعمیم و گسترش آموزه‌ها و ارزش‌های لیبرالیسم و پذیرش آن از سوی دیگر جوامع در مفهوم جهانی شدن منظور می‌گردد این امر را برخی از نظریه‌پردازان این مکتب با عقلانیت، دموکراتیک بودن و تأمین خواسته‌های بشر با اندیشه لیبرالیسم توجیه می‌کنند و معتقدند که امروزه اتفاق نظر قابل توجهی درباره مشروعیت دموکراسی لیبرال پدید آمده و ممکن است دموکراسی لیبرال نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشریت و آخرین شکل حکومت بشری است (فوکویاما، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷). در این رویکرد، انسان نیازمند عقل و آرزوست که هر دو در دموکراسی لیبرال برآورده می‌شوند. جهانی متشکل از دموکراسی لیبرال تمایل کمتری به جنگ و خشونت دارد.

- وابستگی اقتصادی کشورها

جهانی شدن فرایندی ناشی از وابستگی متقابل دولت‌ها و کشورها و به‌خصوص در عرصه اقتصادی ملی است. سرعت این وابستگی‌ها به اندازه‌ای است که دولت‌ها توان پایش اقتصاد خود را از دست می‌دهند. بنابر این جهانی شدن وضعیت طبیعی و برگشت ناپذیر است.

- جهانی شدن و تأثیر آن بر شناخت متقابل

جهانی شدن به توسعه و گسترش روز افزون فناوری و ارتباطات منجر شده است. ارتباط نزدیک و آسان میان دولت‌ها، کشورها، و افراد فراهم شده و به این وسیله روند شناخت و تعامل فرهنگ‌ها و رواج‌های اجتماعی در حال افزایش است و این درک و شناخت جدید نوع آشتی و همسویی میان جوامع انسانی ایجاد نموده و موجبات همگرایی بیشتری جهانی را فراهم کرده است.

به وسیله جهانی شدن، فرهنگ‌ها و هویت‌ها به تجانس و تقارب بیشتر می‌رسند و در نتیجه این امر باعث کاهش اختلاف‌های فرهنگی و فکری میان جوامع و افراد می‌شود. جهانی شدن نوعی فرهنگ جهان وطنی را گسترش می‌دهد که در بنای آن افراد جهانی می‌اندیشند و این جهانی‌اندیشی به نوبه خود انسانی‌اندیشدن را توسعه می‌دهد که به سود تمام جوامع بشری است (اسمیت، ۱۹۹۷، ص ۹).

۲- رویکرد مارکسیستی و مخالفان جهانی شدن

در این رویکرد، جهانی شدن بیشتر ماهیت اقتصادی دارد. مکتب فرانکفورت با الهام از روش مارکسیستی، پدیده جهانی شدن را به مفهوم جهانی شدن و گسترش نظام سرمایه‌داری در عرصه جهانی و سیطره آن بر اقتصاد جهانی عنوان می‌کند. در این رویکرد، از جهانی شدن به عناوین دیگر هم یاد شده است: استکبار فرهنگی، برخورد فرهنگ‌ها، وحدت‌گرایی، امریکای شدن فرهنگ‌ها و یا سلطه فرهنگ غرب بر فرهنگ شرق از جمله عناوین هستند که برای جهانی شدن ارائه شده‌اند.

این نظریه در دهه ۱۹۶۰ به عنوان نقد مارکسیست‌ها بر جهانی شدن ارائه شد. در این نظریه، نوع پیش‌داوری منفی و پیشگیرانه علیه جهانی شدن وجود دارد که فرهنگ غرب از طریق قدرت در صدد تحمیل فرهنگ غرب بر سایر فرهنگ‌های جهان است. به عبارت دیگر، روند جهانی شدن یک سویه است نه براساس تعامل و تلفیق فرهنگ‌های برتر. در این نظریه، جهانی شدن فرهنگ محصول قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی است و ناگزیر به سلطه و استیلای فرهنگی منجر خواهد شد و طبق آن بازار جهانی و دولت‌های مختلف به نفع دولت‌های بزرگ فتح خواهد شد، به گونه‌ای که به بهانه یکپارچه‌سازی فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های دولت‌های ضعیف قربانی فرهنگ‌های دولت‌های ابر قدرت می‌شوند.

در این رویکرد نظری، نوعی گفتمان میان فرهنگ‌های ملی و جهانی وجود دارد و این وضعیت همچنان در چارچوب حاکمیت دولت - ملت‌ها استمرار می‌یابد.

۳- رویکرد جهان‌سومی و میانه

رویکردهایی متفاوت در این بحث وجود داشتند؛ گروهی جهانی شدن را فرایندی می دانستند که به اقتضای سیر تمدنی و گذشت زمان و پیشرفت فناوری به وجود آمده است و همگام با توسعه می باشد؛ اما بر عکس گروهی نیز جهانی شدن را به عنوان پروژه ای از قبل طرح شده می دانستند که در پی جهانی سازی می باشد و با شعار توسعه، کشورهای جهان سوم را در یوغ استعمار جدید خویش می کشانند. هر یک از رویکردهای یاد شده در پیوند به پیشینه تاریخی، مبانی نظری، ویژگی ها و لوازم و آثار جهانی تفسیرهای متفاوتی را مطرح می کنند. با وجود اختلاف نظر در مورد تعریف جهانی شدن و به عنوان نقطه اشتراک هر دو رویکرد، جهانی شدن دو چهره ایدئولوژیک و فناورانه (تکنولوژیک) دارد؛ به عبارت دیگر، جهانی شدن چه به عنوان فرایند و چه به عنوان پروژه، دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. این ابعاد را از منظر فکری و نظری می توان در دو حوزه کلی با عنوان «بعد ایدئولوژیک» که ماهیت و محتوای فکری، بایدها و نبایدها و نظام ارزشی موجود در آن است بحث می نماید. این چهره، چهره تعارض زاست. در حقیقت چهره ایدئولوژیک جهانی شدن، ایدئولوژی های مخالف را با تعارض وامی دارد. و از «بعد فناورانه» که ظاهری و ابزاری است، به عنوان فناوری ارتباطات و عامل انفجار اطلاعات یاد می شود که چهره تعارض زا نیست. در این رویکرد، جهانی شدن بیانگر عالمگیر شدن فناوری مدرن در عرصه های مختلف زندگی بشر، به خصوص در عرصه ارتباطات می باشد. این چهره جهانی شدن چهره سازگاری است، اما با دیدگاه های متفاوت وجود دارد (سجادی، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

بنابراین از اینجاست که دیدگاه میانه نیز به میان می آید که جهانی شدن را پدیده ای تاریخی می داند که در آغاز همزاد فناوری مدرن است و در ادامه می تواند که به پروژه تبدیل شود، و این دیدگاه اعتقاد دارد که جهانی شدن هم مثبت است و هم منفی و به وضعیت فرهنگ ها و ملت ها بستگی دارد.

آثار و پیامدهای جهانی شدن

جهانی شدن به عنوان یک موضوع جوان و تازه مانند دیگر جریان‌های تاریخی، زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. به همین دلیل جهانی شدن با یکسری آثار و پیامدهای مثبت و منفی همراه است که در ادامه به برخی آثار و پیامدهای مهم آن به صورت خلاصه اشاره خواهد شد.

۱- آثار و پیامدهای منفی جهانی شدن

- جهانی شدن اقتصاد لیبرال و افول اقتصاد ملی

جهانی شدن فرایندی نظام‌مند است که ارزش‌های اقتصادی تمدن لیبرال غربی و آموزه‌های اساسی لیبرال بر سایر ارزش‌های اقتصادی ملی و داخلی سایه می‌افکند و روند گسترش و روز افزون اقتصاد لیبرالی در یک حرکت سیال و مستمر، بازار اقتصادی دولت‌های ملی را به چالش می‌کشد. در این موضوع دکتر عبدالقیوم سجادی در کتاب «افغانستان و جهانی شدن» چنین می‌نویسد:

«جهانی شدن با ترویج و گسترش اقتصاد لیبرال، بازار آزاد و تجارت بین‌المللی، الگوی تولید و مصرف را در کشورهای ملی با چالش جدی مواجه می‌سازد. این امر موجب می‌گردد تا اقتصاد ملی کشورهای در حال توسعه در وضعیت خطر و اجتناب ناپذیری قرار می‌گیرد. این وضعیت در واقع، الگوی نظام اقتصادی وابستگی یا تقسیم کار بین‌المللی را تداعی می‌کند که در نهایت، کشورهای جنوب و در حال توسعه را در یک نقطه غیر قابل برگشت قرار می‌دهد. علاوه بر این، الگوی مصرف و تولید سرمایه‌داری لیبرال در بیشتر موارد بسترها و ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی متناسب با خود را نیز بر دیگر جوامع تحمیل می‌کند. این موفقیت و برتری بیشتر ناشی از توانمندی و پویایی درونی الگوی لیبرال از سوی و ضعف و ناکامی الگوهای رقیب از سوی دیگر می‌باشد. خانم آن کراگیر این نکته را چنین توضیح می‌دهد: «در دهه ۸۰ بیشتر تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای در حال توسعه با اذعان بر ناکامی راهبرد اقتصادی مبتنی بر حمایت‌گرایی و پایش دولتی، ضرورت حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی و وارد شدن

در مبادلات بین‌المللی و تجارت جهانی را در پیش گرفتند. برای بهره‌مندی از منابع سرمایه بین‌المللی و دستیابی به رشد اقتصادی، این کشورها ناگزیر بودند تا اقتصادهای ملی را با اقتصاد جهانی همگون نمایند و استانداردهای تجارت جهانی را مورد توجه قرار دهند. این امر به معنای پیوستن این کشورها در نظام اقتصاد جهانی مبتنی بر بازار آزاد و الگوی لیبرال بود.» (سجادی، همان، ص ۱۱۹).

بنابر این، بسیاری از نظریه‌پردازان و کارشناسان روابط بین‌الملل و جهانی‌شدن، جهانی‌شدن را نوعی سلطه و استیلای اقتصاد لیبرال دموکراسی بر سایر نظام‌های اقتصادی کشورها قلمداد می‌کند و این وضعیت از تغییرهای بنیادی که در عرصه اقتصادی دولت‌های به وجود آمده که کاملاً مشهود است. روند آزاد شدن بازار اقتصادی، پیوستن به سازمان تجارت جهانی، آزاد شدن موانع گمرکی از جمله علایم و نشانه‌های پذیرش نظام اقتصادی لیبرال از سوی کشورهای جهان است.

- تحمیل آموزه‌ها و ارزش‌های دموکراسی لیبرال

جهانی‌شدن، روند آموزه‌ها و ارزش‌های دموکراسی لیبرال را بر سایر ارزش‌های تمدن دیگر برتر می‌داند و به موجب آن به دنبال سلطه سیاسی و فرهنگی است. در واقع گسترش و رشد روز افزون اقتصاد لیبرال نوعی لیبرالیسم سیاسی در بردارد. همان گونه که نظام اقتصادی لیبرال در جهان پسا دوران جنگ سرد بر سایر نظام‌های اقتصادی برتر و سایه افکنده است، در عرصه سیاسی نیز تمدن لیبرال دموکراسی بر دیگر تمدن‌های بشری پیشی گرفته و شکل تمدن لیبرال دموکراسی طبق نظر برخی نظریه‌پردازان غربی، نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشری و آخرین شکل حکومت بشری است. فرانسس فوکویاما در دیدگاه پایان تاریخ که بعد از دوران جنگ سرد ارائه کرد، به شدت بر این امر تأکید دارد و تمدن غربی را نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک و آخرین مدل حکومت بشری می‌داند.

از هنگام پیروزی لیبرال دموکراسی بر رقبای فاشیستی و کمونیستی و بعد از دوران جنگ سرد، تقریباً در میان جوامع جهان اتفاق نظر بررسی مشروعیت لیبرال دموکراسی به عنوان تنها نظام حکومتی موفق به وجود آمده است و آن را به عنوان آخرین شکل حکومتی و نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشری می‌داند.

- کمرنگ شدن اقتدار کشورها

باتوجه به ابعاد مختلف جهانی شدن که تمام زوایای حیات بشری را تحت تأثیر خود قرار داده و پا را فراتر از مرزهای ملی گذاشته است، مفاهیم ملی دولت‌های مختلف دنیا نقد و در حاشیه‌ها زده می‌شوند. در این صورت، اقتدار دولت‌های ملی به تبع حاکمیت مفاهیم جهانی مورد دستخوش و تغییر قرار خواهند گرفت.

با فرایند جهانی شدن، اقتدار سیاسی در درون مرزهای جغرافیایی، با کمرنگ شدن مرزهای ملی تضعیف می‌شود و مبانی اقتدار سیاسی رنگ می‌بازد. به نظر برخی از پژوهشگران اقتدار کشورها در سه حوزه کلی رو به کاستی می‌گراید: نخست موضوع دفاع؛ یعنی حفظ امنیت اجتماع در برابر خشونت. دوم، دارایی و امور مالی؛ یعنی نگهداری از پول به عنوان ابزار مطمئن برای داد و ستد. و سوم، تأمین رفاه. (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۷).

بنابراین فرایند جهانی شدن باعث تضعیف اقتدار دولت‌ها و ملت‌های گوناگون ملی شده و مانع حاکمیت ارزش‌های ملی دولت و ملت‌های جهان خواهد شد.

۱-۴- چالش دولت‌های ملی

در یک نگرش، قدرت دولت‌های ملی در فرایند جهانی شدن رو به زوال و اضمحلال خواهد بود و به حداقل ممکن خواهد رسید که سیطره بازار و بخش خصوصی در این نگرش، برجسته و مملوس است، بر اساس الگوواره (پارادایم) جهانی‌سازی، شدت جریان سرمایه در جهان و حاکمیت و فراگیری بازار رقابت به گونه‌ای است که بر محدوده دخالت دولت در اقتصاد، تأثیری عمده خواهد داشت.

جهانی شدن همراه است با تقویت بازار و این پدیده، هم در دید فرایندی و هم در دید پروژه‌ای که کمینه کردن حجم دولت را دنبال می‌کند. همان‌گونه که گفتیم، جهانی شدن بسیار کوچک شدن و حتی حذف دولت را پیش‌بینی کرده است و در دید بسیاری، نوعی نسبت منفی میان اتحاد با اقتصاد جهانی و حجم دولت وجود دارد و چنین فرض می‌شود که تأثیرگذاری مداخلات دولت در اقتصادهای یکپارچه شده پایین می‌باشد و ادغام بین‌المللی بازارها، ابزاری است برای شکستن کارایی و کارکردهای دولت در سطح ملی.

به نظر می‌آید جهانی شدن به کمرنگ‌تر شدن دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود؛ به‌عنوان مثال، در سطح کلان اقتصادی، دخالت دولت در جابه‌جایی سرمایه، نرخ‌های بهره، ارز و قیمت‌ها کاهش می‌یابند. بنابر این، این ایده به‌طور گسترده مورد پذیرش عموم واقع شده است که جهانی شدن آزادی عمل دولت را محدود می‌کند و به قدرت و ثروت بازار می‌افزاید و در این حالت، نه فقط شرکت‌ها و مردم، بلکه دولت‌ها نیز در برابر ارباب جدید رقابت جهانی سر تعظیم فرود می‌آورند. جهانی شدن برای دولت‌ها نیز، همانند ملت‌ها، محدودیت‌ها و امکاناتی به وجود می‌آورد. برای مثال، دولت‌ها شاید بخواهند مالیات‌ها و هزینه‌های عمومی را افزایش دهند و این افزایش هزینه‌ها مورد علاقه رأی‌دهندگان نیز باشد؛ ولی بازار به‌راحتی می‌تواند مانع آن شود. در اقتصاد نوین جهانی، مردم و شرکت‌ها می‌توانند به جای اینکه متحمل مالیات‌های سنگین شوند، به قلمرو مالیاتی دیگر نقل مکان کنند. (آشناگر، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

۲- آثار و پیامدهای مثبت جهانی شدن

- گسترش ارتباطات و توسعه رسانه‌ها

بدون شک روند جهانی شدن بر پایه تحول‌های فناوری بنا شده است. در چند دهه اخیر، عمق و گسترش این تحول‌ها چنان بوده که فناوری و نظم تولید و مدیریت جهان

را وارد الگوواره‌ای جدید کرده است. افزایش بی نظیر سرعت گردش اطلاعات، همراه با کاهش چشمگیر هزینه این امور، از ویژگی‌های برجسته عصر جدید هستند که با کاهش فاصله زمانی و مکانی، جامعه بشری را به شهری جهانی مبدل کرده‌اند. رشد و گسترش تصاعدی ارتباطات ماهواره‌ای و فناوری فیبر نوری، گردش آنی حجم انبوه اطلاعات را در پهنه جهان میسر ساخته است. تنها در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶، تعداد مسیرهای صوتی ماهواره‌ای کمتر از ۱۰۰ هزار به ۷۰۰ هزار و تعداد مسیرهای صوتی فیبر نوری در آتلانتیک از ۱۰ هزار به یک میلیون و ۴۵۰ هزار افزایش یافت. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ تعداد میزبان‌های اینترنتی از ۲۰۰ میلیون به بیش از ۱۰ بلیون افزایش یافت. این تحول‌ها همراه با رشد وسایل ارتباط جمعی، الگوی تولید و مصرف را کاملاً دگرگون کرده و بازار جهانی را پدید آورده است. همچنین تحول‌های فناوری موجب پیدایش صنایع جدید، افزایش بهره‌وری کار و سرمایه، افزایش سطح تولیدات و در نتیجه، بسط بازار جهانی شده است.

انقلاب ارتباطات نوعی جدید از ارتباطات مجازی را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی می‌باشد، به وجود آورده است. به وسیله ماهواره، اینترنت و... جهانی جدید به موازات جهان واقعی به وجود می‌آید که دارای دو ویژگی اصلی است: فرهنگ واقعیت مجازی و رسانه‌ها. رسانه‌های الکترونیکی مخاطبانی وسیع و متکثر دارند که مجموعه‌هایی از حیث محتوای نمادین به این افراد عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی، فضای مجازی شکل می‌گیرد و فرهنگ‌ها همه به وسیله واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند و در زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها، مفاهیم زمان و مکان معانی تازه پیدا می‌کنند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال این اطلاعات و داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف به وجود می‌آیند. رسانه‌های گروهی دو نقش اساسی در تغییر فرهنگی جامعه‌های امروزی بر عهده دارند. از یک سو، فرهنگ توده را نشر می‌دهند و از سوی دیگر، منبع تغذیه نخبگان جامعه با

هدف نوآوری و ابداع هستند و به عبارت دیگر، رسانه‌های گروهی حلقه اتصال محیط بزرگ یا جامعه کل با محیط کوچک می‌باشند. هر یک از عوامل اصلی نوزایی و خلاقیت و در نتیجه، عامل تحرک و پیش‌برنده توسعه فرهنگی است. بحث جهانی شدن و مقوله رسانه‌ها چنان با یکدیگر پیوند خورده‌اند که تصور تجربه کردن جهانی شدن بدون رسانه‌ها، محال به نظر می‌رسد. «ژودیت لازار» معتقد است: «رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می‌کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگسازی نیز به اجرا می‌گذارند.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

- توسعه همکاری‌های بین‌المللی

فرایند جهانی شدن در سطح جهانی باعث رشد و توسعه همکاری‌های بین‌المللی می‌شود. همکاری‌های بین‌المللی در عرصه دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های عالی آموزشی و نیمه‌عالی و نیز تقویت تعامل‌ها و تبادل‌های علمی، فرهنگی و سیاسی می‌شود. بعضی از پژوهشگران روابط بین‌الملل، جهانی شدن را فرایند یک پارچه شدن، یکی شدن، یکسان‌سازی کردن می‌دانند.

یونسکو در سند راهبردی خود در سال ۲۰۰۸-۲۰۱۳، در ماده ۶۴ بر همکاری از طریق شبکه‌های فرارشته‌ای و مراکز برجسته عالی آموزشی، استفاده مشترک از دانش در زمینه تحصیلات عالی و سیاست‌گذاری علمی و علوم پایه تأکید داشته و در ماده ۸۱ بر ارتقا و همکاری در بین پژوهشگران در سطح جهانی برای تدوین و سیاست‌های علمی، پژوهش‌های ملی، تعقیب توسعه پایدار، و تحقق اهداف علمی تأکید کرده است.

اصل همکاری بین‌المللی مبتنی بر همکاری و همبستگی پایدار، به رسمیت شناختن اقلیت‌های قومی و حمایت متقابل و مشارکتی صحیح که شکل درست و منصفانه صورت گیرد، نه تنها منافع دیگران، بلکه ارزش علم و دانش را نیز تضمین می‌کند و این ارتباط باید بین مؤسسات کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه باید تقسیم شود و بیشتر کشورهای ضعیف و عقب‌مانده از آن بهره‌گیرند.

فرایند جهانی شدن که باعث انفجار اطلاعات و داده‌های علمی و ارتباطی شده، علم و فعالیت‌های مربوط به آن بیش از هر فعالیت دیگری، خصلتی جهانی و بین‌المللی پیدا کرده است. بدین منظور، ضرورت برقراری ارتباطی فعال و پویا در تمام عرصه‌های علمی بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. (آزاد ارمکی، همان، ص ۶۵).

مبحث دوم: جهانی شدن و تأثیر آن بر جرایم

گفتار اول: جهانی شدن و تأثیر آن بر جهانی شدن جرم

جهانی شدن فرایندی است که با تحت تأثیر قرار دادن عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، ارتباط حکومت‌ها را با یکدیگر در عرصه بین‌المللی و دولت‌ها با شهروندان را در عرصه‌های ملی دستخوش تحول و دگرگونی نموده و موجب پیدایش هنجارهای جدید، به‌خصوص در قلمرو حقوق کیفری شده است. با توجه به اینکه یکی از اهداف بسیار مهم حقوق کیفری، صیانت از ارزش‌ها و هنجارهای اساسی می‌باشد، تغییر هنجارها و پیدایش هنجارهای جدید در فضای جهانی، حقوق کیفری کشورهای مختلف را متأثر می‌نمایند.

امروزه با توسعه دانش و فناوری، دامنه جرایم به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و این گسترش با توجه به ارتکاب آنها، به‌صورت سازمان یافته و با ابزار جدید، امکان دستگیری و تعقیب مرتکبان را کاهش داده است. اگر در گذشته جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری و جعل در فضای حقیقی و مادی و عینی امکان‌پذیر بود، امروزه این جرایم و جرایمی از این قبیل، نه فقط در فضای حقیقی، بلکه در فضای مجازی هم امکان‌پذیر شده است. با وارد شدن در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌ها) بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی مختلف می‌توان مال دیگری را برداشت و در نتیجه مرتکب کلاهبرداری شد و با ساختن نوشته‌های غیرواقعی و انتساب آنها به افراد می‌توان ضررهای مادی و معنوی قابل توجهی را بر آنان تحمیل کرد.

از طرف دیگر، با تولید پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مختلف، تصاویر هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) و ارائه تصاویر مستهجن و دعوت از مشتریان، می‌توان بازار مالی مجرمانه قابل توجهی را به وجود آورد و فاحشگی را رواج داد و جرایم مختلف غیرقابل پایشی را در فضاهای مجازی ایجاد کرد. جرایمی از این قبیل که در نتیجه گسترش علم و فناوری به وجود آمده‌اند، بیشتر به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابند، در حالی که امکان دسترسی به مراکز آنها مشکل است و در نتیجه، درآمدهایی مطمئن را برای مرتکبان آنها، بدون هراس از توقیف و تعقیب فراهم می‌کند.

جهانی شدن در سال‌های اخیر، از پرکاربردترین واژه‌های عرصه سیاست‌گذاری داخلی و بین‌المللی کشورها و نیز موضوع بحث‌های علمی و دانشگاهی و مطبوعاتی (ژورنالیستی) بوده است. بدون تردید مهم‌ترین پیامد منفی جهانی شدن ایجاد مجموعه‌ای از فرصت‌ها برای گسترش جرم و جنایت است. امروزه شاهد ظهور انواعی جدید از جرایم هستیم که از آنها تحت عنوان جرایم بین‌المللی و جرایم جهانی یاد می‌شوند. جرایم بین‌المللی موضوع حقوق بین‌الملل کیفری هستند. این جرایم نظم جهانی را خدشه‌دار می‌کنند. در این جرایم، بزه دیده نوعاً بشریت محسوب می‌شود نه فقط تبعه کشوری خاص، همانند جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت. قسم دوم جرایمی هستند که ویژگی ملی و محلی ندارند و جنبه فرامرزی دارند که نوعاً با جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ دارند. این جرایم چند کشور را درگیر می‌کنند و ماهیتاً جهانی شده هستند. به عنوان مثال، پولشویی، تجارت مواد مخدر، قاچاق، تروریسم و... مختص یک منطقه نیستند، بلکه جهانی می‌باشند. جرایم جهانی آثار گسترده‌تری نسبت به جرایم داخلی دارند. مبارزه با جرایم جهانی نیازمند شناخت عوامل آنها در بستر جهانی است. به عبارت دیگر، جهانی شدن جرایم جهانی شدن جرم‌شناسی را می‌طلبد. از آنجا که نظریه‌های سنتی جرم‌شناسی به معضل جرایم جهانی توجه ندارند، شیوه مبارزه و پایش و نیز پیشگیری از این جرایم به تحول نیاز دارند. همان‌طور که جهانی شدن حقوق

کیفری، به هماهنگ شدن نظام‌های کیفری منجر می‌شود، جرم‌شناسی نیز در برابر جهانی شدن جرم چاره‌ای جز تحول ندارد. وقت آن رسیده است که نگاهی نو به جرم و مسائلی که در جامعه ایجاد می‌کند انداخته شود؛ این امر یکی از اهداف مهم جرم‌شناسی جهانی است. برای این منظور، جرم‌شناسی جهانی به بررسی علمی پدیده مجرمانه در سطح فراملی و جهانی برای ارائه راهکارهای پیشگیری و پایش جرم در سطح جهان می‌پردازد. البته جرم‌شناسی در گذار به سوی جهانی شدن با موانع و مشکل‌هایی از جمله پتانسیل پایین جرم‌شناسی به‌عنوان یک علم محض از بهره‌گیری از روند جهانی شدن، خلأ قوانین کیفری و گسترش جرایم جهانی، مستقل نبودن جرم‌شناسی از برخی دیدگاه‌های سیاسی دولت‌ها، مشکل فرهنگ و قابلیت پایین تشکیل پرونده شخصیت جهانی همراه است. به‌طور حتم جهانی شدن جرم‌شناسی تأثیرهایی را بر کشور ما و مطالعات جرم‌شناسی خواهد داشت. در سال‌های اخیر تحت تأثیر فشارها و نقدهای وارده توسط مجامع جهانی، در عمل تغییرهایی در اجرای برخی احکام شرعی که به نظر عده‌ای ثابت و به نظر عده‌ای متغیر هستند ایجاد شده است. بیشترین تأثیر قوانین کیفری ایران از جهانی شدن مربوط به حوزه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده می‌باشد؛ چرا که مبنا و مفهوم جرایم و مجازات‌های این دو حوزه و مبسوط البد بودن قانون‌گذار در وضع و اجرای آنها، امکان انطباق آنها را با مقتضیات زمان و مکان و تحول‌های جامعه جهانی فراهم آورده است. تصویب قوانینی مانند قانون جرایم رایانه‌ای، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با قاچاق انسان و ... نمونه‌هایی از تأثیرپذیری قوانین کیفری کشورها از فرایند جهانی شدن می‌باشند. همچنین انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه میان کشورهای مختلف نمایانگر عزم این کشورها برای شرکت در فرایند مقابله جهانی با جرایم جهانی است. هر چند اقدام‌های دولت‌ها را در ارتباط با مباحث جرم‌شناسی در سطح روابط خود با کشورهای خاص، نمی‌توان گام بلندی به سوی جهانی کردن جرم‌شناسی تلقی نمود، ولی

از این جهت که دست کم به جهانی شدن جرایم توجه شده و راهکارهایی نیز برای مقابله منطقه‌ای و جهانی با این پدیده، با استفاده از دستاوردهای جرم‌شناسی اندیشیده شده است، می‌توان گامی کوتاه در این زمینه تلقی نمود. (شرف‌الدین، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

گفتار دوم: ماهیت اعتیاد و جرایم مواد مخدر در قوانین ملی و کنوانسیون‌های

بین‌المللی

الف) ماهیت اعتیاد و مواد مخدر

آیا اعتیاد جرم است یا بیماری و به تبع آن معتاد مجرم می‌باشد یا بیمار؟ برای پاسخ از نظر جرم‌شناسی به این مقوله نگاه می‌کنیم. از دیدگاه جرم‌شناسی به منظور بررسی «وضعیت» و «شخصیت» بزه‌دیده می‌توان با نگاهی دقیق‌تر به جرم توجه نمود. از این دیدگاه بزه‌دارای دو شاخصه است:

۱- نقش بزه‌دیده در شکل‌گیری عمل جنایی؛

۲- بررسی شخصیت بزه‌دیده مستقل از شکل‌گیری عمل جنایی.

از این نظر، شخص معتاد مورد بررسی قرار است و او به‌عنوان «بزه‌دیده» مورد توجه قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، معتاد شخصی است که قربانی جرم می‌باشد نه بزه‌کار. او معلول است و علت جرم سوداگران مرگ و توزیع کنندگان مواد مخدر می‌باشند؛ بنابراین این مجرمان اصلی قاچاقچیان می‌باشند، پس اعتیاد را باید معلول قاچاق مواد مخدر دانست و گفت که معتادان اشخاص بزه‌دیده هستند و نه بزه‌کار و بر خلاف تقصیر فرد معتاد در تحقق این بزه، شخصیت او را باید مستقل از عمل مجرمانه ارتكابی مورد توجه قرار داد و همانند یک بیمار نیازمند، باید مساعدت به او، نگاه و رفتاری منطقی و معقولانه با او داشته باشیم. بنابر این دو راهکار ضروری به نظر می‌رسد:

اول اینکه: اتخاذ سیاستی راهبردی به منظور حذف عنوان مجرمانه از مصرف مواد

مخدر.

دوم اینکه: ایجاد مراکز مجهز تخصصی برای درمان معتادان به صورت علمی. با توجه به تصریح ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۷۶ اعتیاد جرم است، ولی به کلیه معتادان اجازه داده می شود به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می گردد، مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند؛ مطابق تبصره های ماده یاد شده:

اول اینکه: معتادان در طول دوران بازپروری از تعقیب کیفری معاف می باشند. دوم اینکه: چنانچه معتادان از پرداخت هزینه ها ناتوان باشند، توسط دولت تأمین خواهند شد.

سوم اینکه: دولت مکلف به احیا و ایجاد اردوگاه های بازپروری معتادان می باشد. ماده ۱۶ قانون یاد شده اشاره می نماید معتادان به مواد مخدر و روان گردان مذکور در دو ماده (۴) و (۸) فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می شوند. تمدید مهلت برای یک دوره سه ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنابر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده (۱۵) این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع می باشد. (آلبرو، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲).

ب) ابعاد جرایم مواد مخدر در نظام جهانی

با بررسی جرایم مواد مخدر می توان خصایص و ابعاد آن را در نظام جهانی مشاهده کرد، عنصر بین المللی، عنصر فراملی و عنصر دولت. هر سه خصیصه فوق را در موضوع قاچاق مواد مخدر می توان یافت. قاچاق مواد مخدر یک جرم سازمان یافته فراملی است. انواع این جرم در صحنه بین المللی تهدیدکننده سلامت انسان ها، حاکمیت کشورها و امنیت جهانی و ناقض اصول و مقررات بین المللی است. منظور از عنصر بین المللی، فعل

یا ترک فعلی می‌باشد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تهدیدکننده صلح و امنیت جامعه بین‌المللی است و ارتکاب آن موجب جریحه دار شدن وجدان جمعی بشر می‌شود. فراملی بودن جرم بین‌المللی به آن معناست که رفتار مجرمانه بر منافع و امنیت ملی بیش از یک کشور تأثیرگذار است و یا عمل مجرمانه از محدوده مرزهای ملی یک کشور فراتر می‌رود و یا اتباع بیش از یک کشور را دربر می‌گیرد. منظور از دخالت عنصر دولت در جرم بین‌المللی این است که جرم با ویژگی‌های یاد شده توسط بخشی از سیاست یا رویه دولت، نمایندگان دولت‌ها و مأموران دولتی شکل می‌گیرد. «جرایم بین‌المللی شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی است که یک تعهد مهم و بنیادی را که از نظر منافع جامعه بین‌المللی دارای اهمیت اساسی است نقض می‌کند» (مقتدر، ۱۳۷۶، ص ۴۵).

قاچاق بین‌المللی مواد مخدر از جمله جرایمی است که در صحنه بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد و تهدیدکننده سلامت انسان‌ها، حاکمیت کشورها و امنیت جامعه جهانی و ناقض اصول و مقررات بین‌المللی است (کنوانسیون‌های بین‌المللی مواد مخدر مصوب، ۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۱۹۸۸ وین).

همچنین این رفتار مجرمانه، بنیادهای اساسی جوامع، اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و خانواده‌ها را تهدید می‌کند و بر منافع ملی و منطقی‌ها تأثیرگذار می‌گذارد، اتباع بیش از یک کشور را شامل می‌شود و واجد عنصر فراملی است. ناتوانی یک یا چند دولت در مقابله و برخورد با این پدیده سازمان یافته و نگرانی کشورها و جامعه بین‌المللی که در مقدمه کنوانسیون‌ها یاد شده را نیز می‌توان دلیل بین‌المللی بودن جرم قاچاق مواد مخدر دانست.

وقتی از گروه‌های سازمان یافته و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر صحبت می‌کنیم، جرم سازمان یافته نیز به ذهن متبادر می‌شود. قاچاق بین‌المللی مواد مخدر نیز یک جرم فراملی سازمان یافته می‌باشد که توسط باندها و گروه‌های سازمان یافته با سلسله مراتب نیرو، امکانات و تجهیزات، مرزهای کشورها را پشت سر گذاشته، صلاحیت سرزمینی

دولت‌ها را نقض نموده است و در مسیر حمل از مبدا تا مقصد، جرایم دیگری از قبیل هواپیما ربایی، ترور و قتل، تخریب محیط زیست، قاچاق سلاح و مهمات و... را نیز به همراه خواهد داشت.

اعمال مجرمانه ارتكابی توسط باندها و گروه‌هایی از اشخاص که به صورت منسجم و متشکل، گرد هم آمده‌اند و قصد آنها سود و فایده مالی است، جرم سازمان یافته نام دارد. به تجمع نیرو، امکانات و قدرت مالی سازمان یافته برای فعالیت‌های مجرمانه نیز گروه سازمان یافته می‌گویند. جرم سازمان یافته هرگاه خصیصه فراملی به همراه داشته باشد، تهدیدکننده امنیت بین‌المللی است و قاچاق مواد مخدر که توسط گروه‌ها و باندهای سازمان یافته انجام می‌گیرد، خصیصه فراملی داشته و یک جرم بین‌المللی است.

قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، عمده‌ترین فعالیت باندها و گروه‌های تبهکار بین‌الملل است. سودآور بودن و تأثیر قاچاق مواد مخدر در اقتصاد و سیاست موجب گردیده که گروه‌های سازمان یافته با اتکا به کارتل‌ها و سازمان‌های مافیایی و حمایت و هدایت پنهان قدرت‌ها، آسوده خاطر به تجارت بین‌المللی مواد مخدر بپردازند و در صحنه بین‌الملل، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران اقتصادی در بخش مواد مخدر و داروهای روانگردان محسوب شوند. (زراعت، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰).

کارتل‌های مدلین و کالی در کلمبیا، مافیا در اروپای شرقی، تریاداها در اروپا، آمریکا و آسیا و گروه مواد مخدر مسکو در افغانستان، لندن و لائوس از جمله کارتلهای مطرح و عام حمل و نقل و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر هستند که از مرحله تولید تا توزیع مواد را در سطح جهانی کنترل و هدایت می‌کنند.

در بین سازمان‌های تبهکار، گروه مافیا شهرت جهانی دارد و از سال ۱۹۶۹ به بعد با توجه به کم شدن سود قاچاق سیگار و تنباکو. (سجادی، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

ج) مجازات جرایم مواد مخدر در دیدگاهها و کنوانسیون‌ها بین‌المللی

کنوانسیون‌های بین‌المللی مواد مخدر، حاصل همکاری‌های بین‌المللی از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۸۸ هستند. کنوانسیون‌ها، سازمان‌ها و نهادهای پایشی بین‌المللی، مسئول مبارزه با مواد مخدر و مبنای همکاری بین‌المللی علیه مواد مخدر هستند و حرکت در مسیر آنها می‌تواند گامی مؤثر برای مهار این پدیده در جهان تلقی گردد. در کنوانسیون‌های مواد مخدر، بر ضرورت اقدام هماهنگ در سطح جهان علیه مواد مخدر و همکاری‌های بین‌المللی بر اساس اصول واحد و هدف مشترک برای ریشه‌کن نمودن قاچاق مواد مخدر و همکاری‌های جهانی در امور کیفری تأکید شده است.

معاضدت قضایی؛ یعنی کمک و یاری کشورها به یکدیگر در امور قضایی، انتقال آیین دادرسی و «حمل تحت نظارت» برای کسب موفقیت در مبارزه جهانی علیه مواد مخدر غیر مجاز ضروری است. به همین دلیل در ماده ۷ کنوانسیون مصوب سال ۱۹۸۸ از کشورها خواسته شده است که قوانین داخلی خود را در راستای اجرای مفاد کنوانسیون وضع نمایند.

در کنوانسیون‌های مصوب ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ نیز به طرف‌های متعهد توصیه شده است که همکاری نزدیک داشته باشند و در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان به یکدیگر کمک کنند.

استرداد مجرمان، مفهوم روشنی در کنوانسیون مصوب ۱۹۸۱ مواد مخدر است که ماده ۶ آن، در ۱۲ بند، شرایط و چگونگی استرداد مجرمان را بیان کرده است. اجرای مفاد کنوانسیون در خصوص استرداد مجرمان یک مسئله در روابط حقوقی و سیاسی بین کشورها قابل بحث است. با وجود تصریح کنوانسیون، دولت‌ها از این مفهوم تفسیرهایی متفاوت دارند و تحت تأثیر روابط سیاسی و رفتارهای متقابل، مسئله معاضدت قضایی و استرداد مجرمان نیز دستخوش تغییر و تحول بوده است. استرداد مجرمان در کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ فاقد ضمانت اجرایی کافی بوده و به صرف توصیه و پیشنهاد به دولت‌ها اکتفا شده است. این مهم در کنوانسیون ۱۹۸۸ مورد توجه و دقت

امضاکنندگان بوده است، ولی در عمل اختلاف نظرهایی بین دولت‌ها وجود دارد که مانع از اجرای کامل مفاد کنوانسیون در خصوص استرداد مجرم شده‌اند. قانون تطهیر بین‌المللی پول از بارزترین تلاش‌ها در جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. ماده ۳ کنوانسیون مصوب ۱۹۸۸ متعاهدان و دولت‌های عضو را ملزم کرده است که تطهیر پول حاصل از قاچاق مواد مخدر را در قوانین الحاقی خود جرم تلقی کنند. شستشوی پول فرایندی است که طی آن، شخص منابع و درآمدهای غیرقانونی را به حالت قانونی تبدیل می‌نماید (ماده ۳۵ کنوانسیون واحد مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱ و ماده ۲۱ کنوانسیون مصوب ۱۹۷۱).

تخصصی شدن روند تطهیر پول و حرفه‌ای شدن تطهیرکنندگان پول، این موضوع را به صورت پیچیده‌ای درآورده است و آمار تطهیرکنندگان رو به افزایش می‌باشد و جنبه بین‌المللی پیدا کرده است. از سوی دیگر، همگرایی اقتصادی در بازارهای جهانی و تجارت بین‌المللی در کشورهای ضعیف و یا دارای قوانین ضعیف، عواملی هستند که در فریند اقتصاد کلان و مبادلات قانونی کالا در سطح جهان، تطهیر پول را بین‌المللی کرده است و همه کشورهای باید برای مقابله با آن تلاش و همکاری نمایند.

ده سال پس از کنوانسیون ۱۹۸۸، در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸، اعلامیه سیاسی به تصویب ۱۸۵ کشور عضو رسید که در پیش‌نویس آن از کشورها خواسته شده که تطهیر عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر و دیگر جرایم مربوط و استفاده مالی کشورها برای انجام این هدف را محکوم نمایند. در این اجلاس برای اجرای مفاد کنوانسیون ۱۹۸۸ در زمینه مبارزه با تطهیر پول اصولی پیشنهاد شده‌اند. تدوین یک چارچوب حقوقی جامع، شناسایی، کشف و مصادره اموال ناشی از جرم، تدوین یک نظام قانونی - مالی اثربخش برای جلوگیری از دستیابی مجرمان و... از جمله اصول پیشنهادی در این اعلامیه است.

الف) مصادره اموال و جریمه نقدی

مجازات‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر در کشورهای مختلف، متفاوت هستند در برخی از کشورها مجازات اعدام برای مواردی ویژه، از این جرایم مقرر شده و در کشورهایی مانند انگلیس اتریش، فرانسه و... مجازات‌های حبس ابد یا طولانی مدت ۲۵، ۳۰ سال و مصادره اموال، جریمه نقدی و مجازات‌های اجتماعی تعیین گردیده است. بعضی از مجازات‌ها مانند مصادره دارایی‌های حاصل از قاچاق مواد مخدر، جریمه نقدی، محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی، تعطیل محل کار و حبس جنبه بین‌المللی دارد و در کنوانسیون‌های معتبر بین‌المللی مانند کنوانسیون ۱۹۸۸ وین هم پیش‌بینی شده است. مصادره اموال قاچاقچیان، جریمه نقدی و جلوگیری از شست‌وشوی درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر، مؤثرترین بازدارنده از ارتکاب جرایم مرتبط با عرضه مواد مخدر است؛ زیرا وقتی قاچاقچی بداند که هر چه را از طریق قاچاق مواد مخدر به دست می‌آورد از او خواهند گرفت، به فکر کسب درآمد از راه‌هایی می‌افتد که «دست‌آورد» او را دولت ضبط نکند و متعلق به خودش باشد.

اما دولت‌ها برای اجرای مجازات مصادره دارایی‌های قاچاقچیان و جلوگیری از شست‌وشوی درآمد حاصل از قاچاق با مشکل‌هایی مواجه هستند. چنان‌که اکنون ۱۷ سال از تصویب کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۸ وین می‌گذرد، هنوز هیچ دولتی موضوع‌های مهم عنوان شده در این کنوانسیون (کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۸ وین) را به درستی اجرا نکرده است که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از:

- ۱- جلوگیری از پولشویی؛
- ۲- حمل و تحویل پایش (کنترل) شده
- ۳- کشت جایگزین گیاهان منبع مواد مخدر؛
- ۴- استرداد مجرمان؛
- ۵- معاضدت قضایی.

به منظور جلوگیری از پولشویی که طبق تعریف کنوانسیون ۲۰۰۰ پاراموگرمی سازمان یافته و فراملی است، بعضی از کشورها تلاش کرده‌اند مقررات بانکی خود را با کنوانسیون ۱۹۸۸ وین تطبیق دهند؛ ولی شست‌وشوی پول‌های کثیف فقط توسط بانک‌های معتبر به عمل نمی‌آید. برای مثال، در کشور ایران پولشویی حاصل از قاچاق مواد مخدر و به خصوص تبدیل آن به ارز خارجی، به وسیله نظام بانکی معتبر، با مسائلی مواجه است، ولی از راه مبادلات و معاملات غیربانکی، به سادگی انجام می‌شود.

یکی از مسائل اصلی در این زمینه، ذی‌نفع بودن برخی از قدرت‌ها و سازمان‌های جاسوسی دولت‌های قدرتمند در این پول‌های کثیف است که بخشی قابل توجه از هزینه‌های زندگی تجملی سران باندها و یا سازمان را از درآمد قاچاق مواد مخدر باندهای تبهکار تحت حمایت خود تأمین می‌کنند و چه بسا بعضی مأموران این سازمان‌ها از عوامل و اعضای باندهای قاچاق می‌باشند. برخی شرکت‌های فعال بین‌المللی و کارتل‌های مافیایی، تحت پوشش شرکت‌های چند ملیتی و حتی تعدادی بانک‌ها نیز در خدمت باندهای تبهکار قاچاق مواد مخدرند که در نتیجه، رویای جلوگیری از شست‌وشوی پول‌های کثیف حاصل از قاچاق مواد مخدر، در سطح جهانی، به رویای مدینه فاضله افلاطونی که فقط در عالم خیال قابل دسترسی می‌باشد، تبدیل گردیده است (در مورد جرم پولشویی به مقاله «نقش فرایند پولشویی و مصادره اموال در روند قاچاق مواد مخدر و اولویت تمرکز مبارزه با پولشویی و مواد مخدر در یک ستاد» از صفحه ۲۲۳ گزیده آثار مکتوب رجوع شود).

ب) مجازات اعدام

حقوقدانان برخی از کشورها، اعتقادی به اجرای مجازات اعدام که سلب حق حیات از یک انسان است و چه بسا توالی فاسد دیگری را برای بستگان فرد معدوم به بار می‌آورد، ندارند.

به علاوه، در مواردی اثر بازدارندگی اعدام در کاهش قاچاق مواد مخدر تأیید نشده است، بلکه برعکس تجربهٔ چهل سالهٔ برخی کشورها تأیید می‌کند که این اعدام‌ها در روند قاچاق مواد مخدر، خللی به وجود نیاورده‌اند.

البته اجرای مجازات اعدام از قدیم در میان ابنای بشر معمول بوده و پس از متمدن شدن انسان و برقراری برخی مقررات (برای نظم اجتماعی - اقتصادی) و نزول احکام الهی و حکومت ادیان، اجرای مجازات اعدام دربارهٔ جرایمی خاص استمرار یافته و تا اواسط قرن هفدهم میلادی سابقه‌ای از مذمت کلی اجرای مجازات اعدام که در قانون حمورابی (۲۱۲۳ تا ۲۰۸۰ قبل از میلاد) هم وجود داشته است، در نوشته‌ها دیده نمی‌شود. بعد از انجمن دوستان مخالف مجازات اعدام و «جرج فاکس» در سال ۱۶۵۹، ظاهراً «سزار بکاریا» جدی‌ترین کسی باشد که دربارهٔ حذف مجازات اعدام با عنایت به متغیر «ارباب در فلسفهٔ مجازات‌ها» صحبت کرده و افکار عده‌ای را به این امر جلب نموده است. او با انتشار «رسالهٔ جرایم و مجازات‌ها» در سال ۱۷۶۴، بحث دربارهٔ لغو مجازات اعدام را بر اساس مکتب کلاسیک در تاریخ تحول‌های حقوق کیفری که خود از پایه‌گذاران این مکتب بود، مطرح کرد (اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۸۰).

بعد از بکاریا، برخی دانشمندان غربی این تفکر را دنبال کردند که هم اکنون مجازات اعدام در تعدادی از کشورها اجرا نمی‌شود و تا سال ۱۹۹۹، ۱۰۸ کشور اعدام را از مجازات‌ها حذف کرده‌اند.

گفتنی است در بعضی دولت‌ها و رژیم‌ها که مجازات اعدام قاتل عمدی را از طریق محاکمهٔ مجرم لغو کرده‌اند، مرتکب کشتارهای جمعی می‌شوند که به مراتب نفرت‌انگیزتر از اعدام قاتل است. نماد بارز این نوع رژیم‌ها در این عصر، رژیم صهیونیستی که از سال ۱۹۵۴ مجازات اعدام قاتل عمدی از طریق حکم دادگاه و هیئت منصفه را از مجازات‌ها حذف کرده است، ولی انسان‌ها را به صورت گروهی قتل عام می‌کند، مانند کشتار عمومی فلسطینی‌ها در صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ که بیش از ۲۰۰۰ انسان را به طرز فجیعی

یک‌باره به قتل رساند و کشتارهای جمعی دیگر که متجاوز از نیم قرن است همچنان ادامه دارد و در سال‌های اخیر نیز تشدید شده است. (والتز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

علاوه بر صهیونیست‌ها، سردمداران برخی کشورها هم تحت تأثیر خوی سلطه‌جویی و جلب منافع مادی به کشتار انسان‌های بی‌گناه مبادرت می‌ورزند.

حذف اعدام از مجازات‌های قانونی در این کشورها، به دلیل بشر دوستی و احترام به حق حیات انسان‌ها نیست، بلکه در اسرائیل، منشأ نژادپرستی و در دیگر کشورهای سلطه‌جو و منفعت‌طلب، تمسخر اعلامیه حقوق بشر و نشان‌دهنده نیرنگ و ریاست.

بعضی از طرف‌داران لغو مجازات اعدام می‌گویند که «دولت‌ها به انسان زندگی نبخشیده‌اند تا حق بازپس‌گیری آن را داشته باشند.» (همان) و معتقدند باید حبس ابد جانشین مجازات اعدام شود؛ ولی سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی که در سال ۱۹۸۹ در لندن تأسیس شده است و برای سازمان ملل متحد و شورای اروپا نقش مشاور را دارد و در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها سمت ناظر دارد و از دولتی خاص تبعیت نمی‌کند، می‌گوید: «باید برای مجازات مجرمان، از مجازات‌های سازنده غیر سالب آزادی استفاده کرد.» و بنابر این اعتقاد، باید برای توسعه و گسترش شیوه‌ها و الگوهای مربوط به جانشین کردن مجازات‌های غیر سالب آزادی به جای حبس، تدابیری اندیشید. این سازمان پیامدهای بد مجازات زندان را به تفصیل برمی‌شمارد، مجازات حبس را مذمت می‌نماید و از مجازات‌های جانشینی مانند جریمه نقدی، انجام خدمات اجتماعی، پرویشن (مجازات تعلیقی بدون صدور حکم)، تعلیق مجازات، منع اقامت در یک محل معین و ... طرف‌داری می‌کند.

با وجود توصیه‌های «پی آر آی»، در کتاب «مدیریت زندان‌ها در دوران گذار» می‌خوانیم که در امریکا از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۷۰۰ نفر در زندان به سر می‌برند، این درصد در ایران در تیرماه سال ۱۳۸۳، ۱۹۸ نفر برابر با ۴۵/۶۳ درصد، در ارتباط با جرایم مواد مخدری زندانی بوده‌اند.

این روزها، گفتمان حذف مجازات اعدام و یا محدود کردن آن به مواردی ویژه مانند درگیری‌های مسلحانه در ایران به صورتی جدی مطرح است که به طور قطع شرایط ویژه فرهنگی و اجتماعی مورد نظر قرار دارند.

در برخی تحقیق‌های میدانی انجام شده، اکثریت قاطع پرسش‌شوندگان ضرورت اجرای مجازات اعدام را برای قاچاقچیان تأیید کرده‌اند. برای مثال، در یک نظرسنجی اداره کل مبارزه با مواد مخدر ناجا، از ۲۲۹۵ نفر درباره تأثیر مجازات اعدام در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر سؤال شده است، در مقابل اکثریت قاطع (۹۱/۷٪) پاسخگویانی که مجازات اعدام قاچاقچیان را بر کاهش قاچاق مواد مخدر «بسیار مؤثر» و یا «مؤثر» دانسته‌اند، فقط ۸/۳ درصد از پاسخگویان مجازات اعدام را «بی‌اثر» و اندکی از این ۸/۳ درصد، اعدام را «مضر» اعلام کرده‌اند. این نظرسنجی مؤید بازدارنده بودن مجازات اعدام از ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر است. مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر در ایران، نزدیک به ۵۰ سال بعد از تصویب قانون تحدید تریاک (که در سال ۱۲۸۹ در دوره دوم مجلس شورای ملی تصویب شده است) در سال ۱۳۳۸ مقرر شد که تاکنون در مواردی مهم از جرایم مرتبط با مواد مخدر اجرا می‌شود و قبل از این تاریخ مجازات اعدام در قوانین مربوط به جرایم مواد مخدر در ایران مقرر نشده بود.

بر اساس تحقیق‌های انجام شده از سال ۱۳۳۰ و به خصوص از سال ۱۳۳۴ که قانون منع کشت خشخاش تصویب و اجرا گردید، قاچاق تریاک و فرآورده‌های آن افزایش یافت و هروئین را نیز در این سال‌ها به کشور وارد کردند و با توجه به اینکه برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهد که در اوایل دهه ۱۳۳۰ حدود ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت حدود ۱۷ میلیونی ایران [هفت درصد جمعیت] معتاد بوده‌اند، ضرورت داشت که مجازات اعدام در مورد قاچاق چیان عمده اجرا شود تا سوداگران مرگ، کمتر به دنبال قاچاق مواد مخدر و تباه کردن نسل جوان بروند.

این سخن که اجرای مجازات اعدام در ایران تأثیری در کاهش قاچاق مواد مخدر نداشته در هیچ مطالعه‌ای تأیید نشده است، بلکه با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران که محاط بر کشورهای تولید و مرکز تعامل مواد مخدر است (افغانستان و ترکیه)، اگر مجازات اعدام در کشور ایران در مورد قاچاقچیان عمده که مفسد فی الارض هستند، اجرا نمی‌شد، چندین برابر امروز گرفتار ترانزیت و قاچاق مواد مخدر بودیم و اگر قانون‌گذاران کشور به این توصیه عمل نمایند و مجازات اعدام را از مجازات‌های قاچاق مواد مخدر به‌طور کلی حذف کنند، مرتکب اشتباهی بزرگ شده‌اند، چنان‌که اگر ایده صدور کالابریک برای معتادان دوباره عملی شود به کاربرد شیوه‌ای متوسل شده‌اند که قبلاً تجربه شده و نتیجه منفی داشته است.

گفتنی است مجازات‌های جرایم مستحدثه‌ای که در احکام اسلامی برای آنها مجازاتی مقرر نشده، در رده مجازات‌های بازدارنده است که مبنای با اصول فقه اسلامی ندارد، مانند تخلف از مقررات رانندگی، جرایم مرتبط با مواد مخدر که تعیین این قبیل مجازات‌ها به اثر سوء، توالی فاسد و توسعه دامنه فساد ناشی از آن جرم بستگی دارد.

ج) جرایم مواد مخدر در فقه اسلامی

- پیشینه تاریخی و مجازات مواد مخدر در فقه اسلامی

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نمی‌باشد؛ زیرا برخی از آنها در کلمات ائمه معصومین - علیهم السلام - و فقهای قدیم آمده‌اند. بنج، مفتر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقها آمده‌اند و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است. برای مثال، شیخ طوسی در النهایه گفته است: «من بنج غیره او اسکره شیء احتال علیه فی شربه و اکلہ ثم اخذ مالہ عوقب علی فعله بما یراه الامام و استرجع عنه ما اخذ. فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایة کان المبنج ضامنا لما جناه» (ص ۷۲۱).

شبيه همين عبارت را شيخ مفيد در مقنه آورده و اضافه کرده است: «فان جن البنج على الانسان او المسكر من الشراب جنايه، لزمه ارشها بحسب ما يجب فيها لتقصان الجسم او العقل او الحواس» (۸۰: ۱۴۱۰).

مواد مخدر سبب پديد آمدن موضوعها و فروع متعددی شده است که هر کدام می تواند در باب خاصی از فقه مورد اجتهاد قرار گیرد، مانند:

- ۱- کشت خشخاش؛
- ۲- توليد و فرايند عمل آوری مواد مخدر؛
- ۳- نگهداری؛
- ۴- حمل و نقل؛
- ۵- توزيع و فروش؛
- ۶- مصرف و استعمال؛
- ۷- ايجاد مراکز و مکان استعمال و ارائه خدمات و ابزار برای سهولت توليد، توزيع و مصرف؛
- ۸- در آمد و سرمايه های حاصل از هر یک از مراحل توليد تا مصرف معاملات و قراردادهای در خصوص مواد مخدر و ...؛
- ۹- کسب خبر و ارائه اطلاعات؛
- ۱۰- مبارزه با هر یک از مراحل مواد مخدر؛
- ۱۱- درمان و ترک.

حرمت استعمال مواد مخدر و مجازات آن

حکم تکلیفی حرمت در خصوص موضوعهای اول تا نهم متوقف بر ثبوت حرمت استعمال و مصرف مواد مخدر می باشد. افزون بر اینکه نحوه اثبات این حکم اساس و مبنای مباحث بعدی در خصوص احکام وضعی و مجازات مرتکبان است.

از زمان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق) تا امروز فتاوایی صریح در خصوص استعمال مواد مخدر از مراجع و مجتهدان در دست می‌باشد. در لابه‌لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارند که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد. البته فقها در مبنای تحریم مواد مخدر با یکدیگر اختلاف داشته‌اند و دارند. برخی به‌عنوان یک موضوع مستقل، قایل به حرمت بوده‌اند. برخی نیز چون شیخ طوسی آن را به مسکرات ملحق کرده‌اند (توحیدفر، ۱۳۸۰، ص ۸۰) و برخی آنها را یکی از سموم و فاقد فایده عقلایی دانسته و قایل به تحریم آنها شده و برخی داخل در عنوان مفتر کرده و به حرمت آن فتوا داده‌اند.

- دلایل حرمت معاملات و قاچاق مواد مخدر

باتوجه به حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فایده عقلانی مصرف آنها و مفاسدی که پیامد استعمال مواد مخدر است، حرمت تولید و قاچاق آن نیز روشن می‌گردد.

فقهای قایل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند، قایل به حرمت تولید و قاچاق آن هم می‌باشند. حرمت این امور که تبیین آنها در این مبحث آمده، پایه و اساس مبنای مجازات قاچاقچیان مواد مخدر است. قاچاق مواد مخدر و معاملات آن را می‌توان از مصادیق و صغریات قواعد و احکام کلی فقهی متعددی دانست که به برخی موارد اشاره می‌شود:

قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهی مهم که مبنای بسیاری از احکام فقهی دیگر در فقه قرار می‌گیرد، قاعده لاضرر است. البته در تبیین مفاد آن نظریات مختلفی وجود دارد. مهم‌ترین آنها نظریه شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری و نظریه آخوند خراسانی،

یعنی نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری و تفسیر امام(ره) از قاعده که نفی ضرر را از باب احکام سلطانیه و حکومتی می‌دانند، می‌باشد.

قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

بر حرمت معاونت در گناه و حرام علاوه بر کتاب «ولا تعاونوا علی الاثم و العداون» (سوره مبارکه مائده، آیه ۲)، حکم عقل و اخبار مستفیضه فراوانی در موارد خاص دلالت دارد و افزون بر این، اجماع علما بر حرمت آن منعقد می‌باشد و فقهای عظام در موارد بسیاری بر اساس این قاعده فتوا داده‌اند. عمده بحث و نظر در تعیین و تبیین مساعده و معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد.

در تحقق معاونت باید عمل و فعلی از شخص سر بزند که در وقوع و یا اكمال و تمامیت جرم و گناه مداخلیت داشته باشد. آنچه مورد تردید و گفت‌وگوست اشتراط قصد و علم معاون، به مداخلیت عملش در تحقق یا اكمال و تمامیت جرم است. مشهور فقها برای تحقق معاونت فقط علم و اطلاع بر قصد تحقق حرام توسط مباشر را کافی می‌دانند (فارسی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). به هر حال چه از نظر ادله شرعیه اثبات اشتراط قصد یا علم بکنیم یا خیر، نمی‌توان انکار کرد که تولید و قاچاق مواد مخدر با توجه به نبود فایده عقلانی و مصرف سوء آن از مصادیق روشن معاونت بر اثم و عدوان می‌باشد، زیرا تولیدکننده و قاچاقچی هم علم و هم قصد دارند که مواد مخدر را در نهایت به مصرف سوء و حرام مباشر، یعنی معتاد برسانند.

بنابر این می‌توان حرمت تولید و قاچاق مواد مخدر از این باب را نیز امری روشن تلقی نمود. البته بحث شرطیت قصد و علم یا عدم آن در تحقق معاونت از جنبه کیفی و مجازات بسیار تعیین کننده است، برای مثال، چنانچه احراز شود فردی که به تکسب با مواد مخدر پرداخته، به موضوع مواد مخدر جاهل بوده و دچار غرور شده است، آیا علاوه بر بطلان تکسب و معاملات او، مرتکب جرم معاونت و عمل حرام شده است یا خیر. این بحث در مباحث مجازات کیفی باید مورد تحقیق قرار گیرد.

- قاعده حرمت، مقدمه حرام**- قاعده نفی سبیل**

از دیگر قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند، قاعده نفی سبیل می‌باشد (بجنوردی، ص ۱۵۷). حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است. گاهی قاچاق مواد مخدر با انگیزه‌های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است، حتی اگر چنین انگیزه‌هایی وجود نداشته باشند، از آثار شیوع مواد مخدر، زوال اراده دفاع از دین و حریم می‌باشد که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می‌شود، علاوه بر اینکه بسا فرد معتاد به دلیل از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می‌شود، تن می‌دهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب می‌شود. بنابر این اگر چه در جمیع معاملات و تکسب، موضوع سبیل قطعی نیست، اما از آنجا که زمینه‌ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین می‌باشد و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می‌شود، به نظر می‌رسد برای صدق موضوع قاعده کافی است. بنابر این اگر بر اساس این قاعده حکم به حرمت شود صحت آن بعید نمی‌باشد. (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن فرایند سیال و مستمر است که زندگی انسان به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. فرایند جهانی باعث تحول‌ها ژرف و بنیادی در عرصه فرهنگی، سیاسی و به‌ویژه اقتصادی شده است. از آنجا که واژه‌های علوم انسانی بومی و محلی هستند، در

مورد تعریف و مفهوم‌شناسی آن اختلاف دیدگاه و نظری زیاد دیده می‌شود. جهانی شدن به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی که قدمت تاریخی چندان ندارد و تازه وارد ادبیات سیاسی نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل گردیده است از این قاعده مستثنی نیست و تعریفی جامع و کامل در این مورد وجود ندارد. والتزر کنت محقق و پژوهشگر روابط بین‌الملل جهانی شدن را فرایندی می‌داند که بر اساس تمام قید و بندهای جغرافیایی که در حوزه فرهنگی و اجتماعی دولت‌ها سایه افکنده است و به‌شدت از بین می‌رود. به‌نظر می‌رسد این تعریف رساتر و کامل‌تر نسبت به تعاریف دیگر باشد، چون در این تعریف به جوانب مختلف آن توجه شده است، از جمله کم‌رنگ شدن مرزهای ملی دولت‌ها در عرصه اقتصادی.

سه دیدگاه در مورد جهانی شدن در نظام بین‌الملل از سوی پژوهشگران و کارشناسان روابط بین‌الملل ارائه شده است که عبارت هستند از:

۱. دیدگاه لیبرالیستی و خوش‌بینانه که جهانی شدن را فرایندی سیال و مستمر می‌داند که بر اساس آن خودبه‌خود ارزش‌های ملی در قبال ارزش‌های جهانی رنگ خود را می‌بازد.
۲. دیدگاه مارکسیستی و چپ جهانی شدن را پروژه از قبل تعیین شده و از قبل مدیریت شده از سوی کشورهای غربی می‌داند که بیشتر اهداف و راهبردهای امپریالیستی و استعماری دارد.
۳. دیدگاه میانه و جهان‌سومی جهانی شدن را فرایند رشد و گسترش و سایل ارتباطی دانسته نه نگاه خوشبینانه دارد و نه نگاه بدبینانه بلکه معتقد است که بستگی به خود دولت‌ها دارد می‌تواند از وسایل و امکانات که در سایه جهانی شدن فراهم شده استفاده عالی برد و هم می‌تواند ارزش‌های که با ایدئولوژی‌های ملی در تعارض باشد، خودداری و پرهیز کرد. به‌عبارت دیگر، جهانی شدن دارای دو بُعد ایدئولوژیک و فناورانه می‌باشد. بعد ایدئولوژیک، ایدئولوژی‌های گوناگون را در تعارض باهم قرار می‌دهد. بعد فناورانه آن در

واقع انفجار اطلاعات، داده‌ها و امکانات است که استفاده آن در رشد و توسعه دولت‌های ملی مفید و مثبت ارزیابی می‌شود.

از دیدگاه پژوهشگران و محققان بین‌الملل، جهانی شدن با آثار و پیامدهای مثبت و منفی در جهان همراه است. موافقان جهانی شدن، جهانی شدن را فرایندی مثبت و توسعه‌زا در روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند، اما مخالفان و طرف‌داران دیدگاه مارکسیستی، جهانی شدن را فرایند منفی و استعماری در نظام بین‌الملل معرفی می‌کند. در دیدگاه میانه، جهانی شدن فرایندی دو بعدی است که هم دارای پیامدهای مثبت و هم دارای پیامدهای منفی در نظام بین‌الملل می‌باشد.

به هر حال جهانی شدن چه به‌عنوان پدیده‌ای مثبت و چه به‌عنوان پدیده‌ای منفی، مجموعه‌ای از تغییر و تحول‌های پویا و ژرف را در نظام بین‌الملل به‌وجود آورده است که در سایه آن حقوق کیفری به‌صورت کل و جرایم سازمان یافته و گروهی به‌صورت خاص دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است. امروزه بسیاری از جرایم که در زمان گذشته جنبه محلی و ملی داشته و تنها در مرزهای محلی و ملی قابل مجازات بوده، امروزه جنبه بین‌المللی و جهانی پیدا کرده و قانون‌گذاران را وادار ساخته‌اند که در عرصه بین‌المللی برای آن جرم‌انگاری نمایند و مجازات‌هایی برای آن در نظر بگیرند.

جرایمی که نظام بین‌الملل و زندگی بشریت را مختل می‌نمایند و چند کشور جهان را درگیر خود می‌کنند و ماهیتاً جهانی شده هستند، مانند پولشویی، تجارت مواد مخدر، قاچاق، تروریسم و... مختص یک منطقه نیستند، بلکه جهانی هستند. جرایم جهانی آثاری گسترده‌تر نسبت به جرایم داخلی دارند. مبارزه با جرایم جهانی نیازمند شناخت عوامل آنها در بستر جهانی است.

جرایم مواد مخدر در عصر فعلی و با توجه به تأثیر جهانی شدن در صحنه‌های ملی و بین‌المللی واقع شده‌اند و افکار عمومی را مخدوش می‌سازند. بنابر این و با توجه و

نقش منفی جرایم مواد مخدر در زندگی انسان، اختلال نظم و امنیت انسانی، دولت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی در صدد جرم‌انگاری و مجازات آن برآمده است. استفاده از مواد مخدر و قاچاق آن تنها جرمی نیست که در منابع بین‌المللی جرم‌انگاری شده باشد، بلکه از فقه اسلامی گرفته تا قوانین دولت‌های ملی، همه به نحوی از مجازات آن سخن گفته‌اند. در فقه اسلامی، فقها برای حرمت آن دلایل مختلف را ذکر و استدلال کرده است، قاعده لاضرر، قاعده کمک به اثم و عدوان، قاعده، حرمت مقدمه حرام و قاعده نفی سبیل از جمله دلایل و مستندات فقهای اسلامی است. در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی، از جمله در کنوانسیون ۱۹۸۸ وین، استعمال، خرید و فروش، قاچاق و برای معتادان مواد مخدر مجازات اعدام، مصادره اموال و تدابیر درمانی و اصلاحی در نظر گرفته شده است.

منابع

- آشناگر، داریوش (۱۳۸۸). *جهانی‌شدن و امپریالیسم*. نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی. سال ۲۴، شماره‌های ۲۶۸-۲۶۷.
- آلبرو، مارتین (۱۳۸۰). *عصر جهانی‌شدن ارتباطات* (ترجمه محمد حسینی). تهران: مؤسسه انتشارات آزاد اندیشان.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۷۷). *رساله جرایم و مجازات‌ها*. تهران: نشر میزان، چ ۳.
- اسمیت، استیو (۱۹۹۷). *جهانی‌شدن سیاست* (جلد ۱): روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها) ترجمه ابوالقاسم راه چمنی (۱۳۸۳). انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- توحید فر، محمد (۱۳۸۰). *فرایند جهانی‌شدن حقوق کیفری*. فصلنامه مدرس. ش ۴، دوره ۵.

- سجادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۲). جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها (مجموعه مقالات). چ ۲. تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۳). افغانستان و جهانی شدن. تهران: انتشارات بین‌المللی صبح امید.
- صادقی، احمد (۱۳۷۹). جهانی شدن، فرسایش اقتدار کشور و تحول اقتصاد جهانی. فصلنامه سیاست خارجی، تهران ۱۳۷۹، صفحه ۴۰۷.
- شرف‌الدین، سید حسین، ظریفیان یگانه، محمد حسین و صابر کیوج، اسماعیل (۱۳۹۱). جهانی شدن و فناوری ارتباطی در ایران پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۹، تابستان. دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه. ج ۵.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱). در آمدی بر علوم جنایی. تهران: انتشارات جنگل، چ اول.
- زینالی، امیر همزه (۱۳۸۸). جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حقوق کودکان و موانع و مقتضیات ایران (پایان‌نامه دوره دکترا، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس).
- فارسی، علی (۱۳۸۴). ریشه‌های جهانی شدن فرهنگ. تهران: انتشارات راه نو.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۲)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام عباس توسلی، ص ۳۱، تهران انتشارات جهان امروز. ۱۳۷۹.
- قانون مجازات اسلامی، ماده دوم، مصوب ۱۳۹۳.
- کنوانسیون‌های بین‌الملل مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ که اکثریت کشورها به آنها ملحق شده‌اند.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۳). جهانی شدن فرهنگ و هویت. چ ۲. تهران: نشر نی.
- ماده ۳۵ کنوانسیون واحد مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱ و ماده ۲۱ کنوانسیون، مصوب ۱۹۷۱.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۶). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: دفتر مطالبات سیاسی و بین‌الملل.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷). حقوق جزای بین‌الملل. مقاله هفتم. تهران: نشر میزان.
والترز، کنت (۱۳۸۲). حقوق بشر و چشم‌اندازها، تهیه و تنظیم مرکز مطالعات حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.